



آموزش روزنامه‌نگاری در چالش با فناوری‌های جدید خبرهای تازه - ایده‌های نو

رؤسای دانشگاه‌های روزنامه‌نگاری از تعلیم روزنامه‌نگاران آینده و دشواری‌های آن می‌گویند

تدوین و گردآوری: جنیفر کلی
ترجمه: علی کسمایی

مصاحبه با دیوید رایبن، اورویل شل، کن‌باد، جفری کوآن، تری هینس، رابرت راگلز و تام گلدستاین

«ماروین کسالب»، مدیر مرکز مطبوعات، امورسیاسی و سیاست‌های عمومی «جون شورنستاین»، و «ادوارد آر. مورو» استاد مطبوعات و سیاست‌های عمومی در دانشکده دولتی (جان اف کندی) در دانشگاه هاروارد در اکتبر ۱۹۹۸ مقاله‌ای را با عنوان «ظهور» خبرهای جدید: مطالعه‌ای موردی درباره دو علت اساسی پوشش خبری افتضاحات و رسوایی‌های معاصر برای بحث و اظهارنظر کارشناسان منتشر کردند. کالب در این مقاله نتیجه‌گیری کرده بود که روزنامه‌نگاری امریکایی «اعتماد و اطمینان بسیاری از خوانندگان و کارشناسان را از دست داده که علت آن نه فروپاشی معیارهای حرفه‌ای، بلکه به خاطر چالش‌های جدیدی است که توسط فن‌آوری، بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی صنعت خبر ایجاد شده است.» این دو چالش باعث ایجاد یک دگرگونی انقلابی در قضیه خبر شده و آن را از یک خدمت عمومی به صورت یک کار عمدتاً تجاری درآورده که تقریباً در تمام مراحل آن - سودمالی، خدمت را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این وضع باعث شده که حتی تعریف روزنامه‌نگاری تغییر یابد و «خبرجدید» به وجود آید.

آیا واقعاً «خبر جدید» وجود خارجی دارد؟ در صورت وجود چنین پدیده‌ای، مسدردسان چگونه باید نسل بعدی روزنامه‌نگاران را برای برخورد با این «جانور خشن» آماده کنند؟ جنیفر کلی این سؤال‌ها و مطالب دیگری را با رؤسای دانشکده‌های روزنامه‌نگاری و ارتباطات سراسر امریکا در میان گذاشته است:

دیوید رایبن - رئیس دانشکده ارتباطات در دانشگاه سیراکیوس نیویورک

■ فشارهای جدید، چه تأثیری بر دورنمای آموزش روزنامه‌نگاری

گذاشته است؟

یکی از مهمترین تغییراتی که می‌توان برشمرد، افزایش چشمگیر تعداد عواملی است که امروز در کار مطبوعات دخیل هستند. فن‌آوری، امکان دسترسی همگان به این عوامل را - از طریق کابل، پخش رادیو تلویزیونی - توزیع سراسری روزنامه‌ها در سطح کشور یا اینترنت و غیره - در سراسر کشور فراهم کرده است. امروزه تعداد این عوامل در سطح

به‌طور کلی صحبت کنیم این تغییر، حقیقت دارد زیرا همه در این رقابت درگیرند. اما این حقیقت بعضی از سازمان‌های خبری برجسته را شامل نمی‌شود. نسبی‌پذیریم که معیارها در نیویورک تایمز یا واشنگتن پست هم تغییر کرده باشد.

هنگامی که در جست‌وجوی اطلاعات تخصصی - اعم از تجاری، مالی، فرهنگی - با نشریاتی مواجه می‌شوید که در همین

■ فن‌آوری، بازسازی و تجدید ساختار اقتصادی در صنعت خبر، باعث ایجاد یک دگرگونی انقلابی در قضیه خبر شده و آن را از یک خدمت عمومی به صورت یک کار عمدتاً تجاری در آورده است.

■ تبدیل کارآیی خبر از یک خدمت عمومی به کاری عمدتاً تجاری، باعث شده که حتی تعریف روزنامه‌نگاری نیز دستخوش تغییر شود و پدیده تازه‌ای به نام «خبرجدید» به وجود آید.

■ رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه برکلی: هنگامی که دانشجوی «برکلی» بودم استادی از من خواست در نوشتن یک کتاب به او کمک کنم و ما سه کتاب را به اتفاق تمام کردیم. در «نیویورکر» با مجموعه‌ای از سردبیران عالی کار می‌کردم که هفته‌ها و گاهی ۶-۵ ساعت در روز روی یک موضوع واحد با من کار می‌کردند. در آن دوره به خوبی حس کردم که اگر انسان وقتش را در رابطه‌ای درست با یک سردبیر خوب بگذراند، چه کارها می‌تواند انجام دهد. این دقیقاً همان کاری است که لازم است در مدارس روزنامه‌نگاری انجام شود.

حوزه‌های بسیار محدود فعالیت می‌کنند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هرگز در گذشته، اطلاعاتی با ارزش‌تر از امروز در این زمینه‌ها وجود نداشته است. اطلاعات خبری امروز به مراتب غنی‌تر از گذشته است. از سوی دیگر اگر به عنوان یک شهروند امریکایی بخواهید اطلاعاتی درباره موضوعی به دست بیاورید، امروز به مراتب آسانتر از ۳۰ سال پیش این کار را انجام خواهید داد. قطعاً یک امریکایی

ملی خیلی بیشتر از گذشته است. این امر وضع اقتصادی رسانه‌ها را نیز تغییر داده است؛ زیرا مخاطبان را تقسیم کرده، بر فروش و درآمدهای تبلیغاتی آنها تأثیر گذاشته و یک بعد رقابتی بر کار خبر اضافه کرده که ۳۰ سال پیش وجود نداشت. این رقابت بی‌رحمانه همراه با تأثیر منفی که بر کار و تجارت خبر داشته، باعث ایجاد تغییر در معیارها، تعاریف خبر، یا حتی تنزل معیارها نیز شده است. اگر بخواهیم

امروز دیگر نمی‌تواند به این دستاویز متوسل شود که «نمی‌دانستم»، یا «من اطلاعاتم را فقط از یک منبع می‌گیرم و آنها مرا همراه کردند.»

در مجموع، اوضاع درخشان‌تر از ۳۰ سال پیش است. من به رقابت کاملاً اعتقاد دارم و فکر می‌کنم که تخصصی شدن روز افزون رسانه‌ها نه تنها بد نیست بلکه خوب هم هست.

■ این محیط رقابتی چگونه می‌تواند بر آموزش روزنامه‌نگاری تأثیر بگذارد؟

ما از طریق سمینارها یا برگزاری سخنرانی درباره رسانه‌ها و افزایش سطح درک دانشجویان از پدیده‌ای به نام «محیط رسانه‌ای» آنها را برای این کار آماده می‌کنیم. اما صراحتاً می‌گویم که به نظر من در بیشتر این آموزش‌ها موضوع رقابت ربطی به موضوع ندارد. من هنوز فکر می‌کنم که برای ساختن و پرورش دادن روزنامه‌نگاران خوب، باید به آنها یاد داد که چگونه و از کجا اطلاعات به دست بیاورند و پس از به دست آوردن اطلاعات با آن چه بکنند. به گمان من این کار واقعاً به همین سادگی و در عین حال به همین پیچیدگی است.

■ به نظر شما که یک فرد با تجربه هستید، محیط جدید رسانه‌ای واقعاً چگونه بر محیط دانشکده روزنامه‌نگاری و فرآیند برنامه‌های درسی و آموزشی آن تأثیر می‌گذارد؟

اولین تأثیر آن در بخش هزینه‌هاست. مجبورید برای خرید سخت‌افزار و نرم‌افزارهای کامپیوتر و پرهزینه‌تر از آن، برای کارکنان پشتیبان‌کننده این خدمات، پول پرداخت کنید. در حالی که یک دهه پیش چنین هزینه‌هایی وجود نداشت. با توجه به آنچه که درباره محل پیدا کردن اطلاعات و چگونگی ارزیابی آن گفتم، امروز نسبت به گذشته، مراکز خیلی

بیشتری برای کسب اطلاعات وجود دارد که باید آنها را در مطالب درسی گنجانند. در آموزش خبرنگاران باید وجود این مراکز جدید را نیز لحاظ کرد و ضمن ارزیابی حاصل کار دانشجویان به آنان آموزش داد که همه اطلاعات حاصل شده، ارزش یکسانی ندارند. وجود چنین عاملی، کارها را نسبت به ۱۰ یا ۱۵ سال پیش پیچیده‌تر می‌کند.

مهم است - و هنوز هم باید چگونگی استفاده از این ابزار را به روزنامه‌نگاران آموزش داد - اما نکته مهم اینجاست که بدانیم کارها و موارد دیگری هم هست که آموزش آنها نیز ضروری است. لازم است طرز استفاده از کامپیوتر را به عنوان یک ابزار تحقیقی، ابزار محاسباتی، ابزاری برای نشان دادن نمونه‌های عملی یا ابزاری برای جست‌وجو در شبکه جهانی اینترنت

■ آیا واقعاً «خبر جدید» وجود خارجی دارد؟ در صورت وجود چنین پدیده‌ای، مدرسان چگونه باید نسل بعدی روزنامه‌نگاران را برای برخورد با این «جانور خشن» آماده کنند؟

■ شرایط امروز نسبت به گذشته که مصاحبه، اصلی‌ترین شیوه یک روزنامه‌نگار برای گردآوری اطلاعات بود، خیلی تغییر کرده است. مصاحبه هنوز هم مهم است - و هنوز هم باید چگونگی استفاده از این ابزار را به روزنامه‌نگاران آموزش داد - اما نکته مهم اینجاست که بدانیم کارها و موارد دیگری هم هست که آموزش آنها نیز ضروری است.

■ لازم است طرز استفاده از کامپیوتر به عنوان یک ابزار تحقیقی، ابزار محاسباتی، ابزاری برای نشان دادن نمونه‌های عملی یا ابزاری برای جست‌وجو در شبکه جهانی اینترنت به منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر، به دانشجوی روزنامه‌نگاری که امروز مشغول یادگیری است، آموزش داده شود.

به منظور دستیابی به اطلاعات بیشتر، به دانشجوی روزنامه‌نگاری که امروز مشغول یادگیری است، آموزش داده شود. باید به دانشجویان آموزش داد که چگونه اطلاعات را ارزیابی کنند؟ یک منبع خبری خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟ و اینکه چگونه می‌توان تشخیص داد که اطلاعات دریافت شده، موثق و معتبر هست یا خیر؟

روزگاری بود که پرسش‌های یک مصاحبه به این محدود بود که

■ به گفته شما یکی از هدف‌های در حال ظهور آموزش روزنامه‌نگاری نه فقط عرضه اطلاعات بلکه تصفیه و ارزیابی آن است. در آن صورت به نظر شما آموزش روزنامه‌نگاری باید در صدد دستیابی به چه اهدافی باشد؟ شرایط امروز نسبت به گذشته که مصاحبه، اصلی‌ترین شیوه یک روزنامه‌نگار برای گردآوری اطلاعات بود، خیلی تغییر کرده است. مصاحبه هنوز هم

مصاحبه‌شونده‌تان کیست؟ موقعیت آنها در زندگی چیست؟ تا چه حد آنها را می‌شناسید و عملکرد و دستاوردهای گذشته آنها چیست و غیره. حالا برای این انواع جدید اطلاعات به قواعد جدید نیاز داریم. به گمان من از آنجا که این مورد از اهمیت بالایی برخوردار است، همه می‌کوشند تعیین کنند که برای این نوع آموزش چه مقدار زمان می‌توانیم و باید اختصاص دهیم.

■ به نظر شما، چه نوع خلق و خوی، روحیه و طرز فکر باید توسط آموزش روزنامه‌نگاری در دانشجویان این رشته القا و نهادینه شود تا در کار حرفه‌ای آنها جلوه‌گر گردد؟

در آموزش روزنامه‌نگاری هنوز باید بر این موارد تأکید کنم که روزنامه‌نگاران (یا دانشجویان روزنامه‌نگاری) چشم و گوش مردم هستند، بخشی اساسی از فرآیند دموکراسی به شمار می‌آیند، نماینده توده‌های خاموش و ضعیف جامعه‌اند، دشمن و رقیب قدرت یا دست کم ناظر اعمال آن هستند و اینکه روی آوردن آنها به این رشته نه به خاطر پول بلکه برای مساعدت به سلامت کلی کشور و جامعه بوده است. باید آنها را به هیجان آوریم و انگیزه لازم را در آنها ایجاد کنیم. فکر نمی‌کنم این چیزها اصلاً عوض شده باشند یا به عبارت دقیق‌تر این موارد نباید دستخوش تغییر شوند.

اورویل شل - رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه کالیفرنیا - برکلی.

■ آیا تصور می‌کنید ما در این ارزیابی که آینده روزنامه‌نگاری را مایوس‌کننده می‌دانیم دچار اشتباه شده‌ایم؟ ارزیابی شما چیست؟

موضوع گیج‌کننده و حیرت‌آور این است که در کنار موارد بسیار دلگرم‌کننده، نمونه‌های بسیار دلسردکننده‌ای نیز وجود

دارد. به این دلیل تشخیص این که در نهایت کار به کجا خواهد رسید کمی دشوار است. اما آنچه مسلم و آشکار است اینکه بازار، پویایی انواع سازمان‌های رسانه‌ای را مورد تهاجم قرار داده است. در گذشته مکان‌ها و مواردی وجود داشت که از نظر این نوع تهاجم، اندکی حفاظت شده‌تر از جاهای دیگر شناخته می‌شدند. اما امروزه حریم آن مناطق حفاظت شده نیز واقعاً نادیده گرفته می‌شود.

این یک رویداد و تحول واقعاً هشدار دهنده و نگران‌کننده است. از جایگاه رئیس یک دانشکده روزنامه‌نگاری باید بگویم که زمانی واقعاً تردید داشتم که آیا دانشکده‌های روزنامه‌نگاری دیگر کاربرد و

می‌گفت: «ما مردم را آموزش نمی‌دهیم. ما طی پنج یا شش سال از طریق آزمون و خطا آنها را پرورش می‌دهیم و دست‌چین می‌کنیم.»

به گمان من چنین تغییری در اوضاع، زمسینه را برای ایجاد دانشکده روزنامه‌نگاری عملی فراهم ساخته است. جایی که افراد جوان بتوانند روزنامه‌نگاری کنند و در همان زمان از کمک‌های ویرایشی، فنی و بعضی از ابزارهای رابطه استادی - شاگردی - که در بیشتر سازمان‌های رسانه‌ای از بین رفته - نیز برخوردار شوند. امروز دیگر در هیچ رسانه‌ای یک پادوی تحریریه را نمی‌یابیم که روزی به مقام دبیری و سردبیری ارتقا

■ در آموزش روزنامه‌نگاری هنوز باید بر این مواد تأکید کنم که روزنامه‌نگاران (یا دانشجویان روزنامه‌نگاری) چشم و گوش مردم هستند، بخشی اساسی از فرآیند دموکراسی به شمار می‌آیند، نماینده توده‌های خاموش و ضعیف جامعه‌اند، دشمن و رقیب قدرت یا دست‌کم ناظر اعمال آن هستند و اینکه روی آوردن آنها به این رشته نه به خاطر پول بلکه برای مساعدت به سلامت کلی کشور و جامعه بوده است.

پیدا کند، برای این که دیگر پادویی در تحریریه‌ها وجود ندارد. بعضی دوره‌های کارآموزی هست، اما در مؤسسه‌های بسیار معدودی و نه در همه جا.

■ در شرایطی این‌گونه، آموزش روزنامه‌نگاری چه اهدافی را باید دنبال کند؟

دانشکده‌های روزنامه‌نگاری باید چیزی مثل تیم‌های بیسیال باشند. بهترین راه داشتن بازیکنان خوب، بازی با توپ و شرکت در مسابقه است. به نظر من دانشکده‌های روزنامه‌نگاری واقعاً باید راه‌هایی برای همکاری با سازمان‌های واقعی رسانه‌ای پیدا کنند. اما گمان می‌کنم این چیزی است که سازمان‌های رسانه‌ای

فایده‌ای دارند یا نه. هنگامی که مانند یک شاگرد و کارآموز خوب که کفاشی را از استادش یاد می‌گیرد، می‌توان با کارکردن در نشریه‌ای این کار را یاد گرفت، دیگر چه نیازی به رفتن به دانشکده روزنامه‌نگاری هست؟

اما به گمان من امروز نکته اساسی این است که کار در بیشتر سازمان‌های رسانه‌ای دیگر آنقدر ابتدایی نیست که بتوان افراد مبتدی نسل جوان را از طریق فرآیند آموزش و کارآموزی عملی ارتقاء داد. با توجه به حرفه‌ای شدن رسانه‌ها و رقابت سازمان‌های رسانه‌ای برای سودآوری بیشتر، این کار هدر دادن منابع است. سردبیر یک روزنامه خیلی بزرگ و معتبر



درجه یک - مانند تلویزیون ABC، لس آنجلس تایمز، نیویورکر و غیره - به طور کامل آن را قبول نکرده اند.

■ شما به عنوان رئیس یک دانشکده روزنامه نگاری در طول دوران تحصیل چه روحیه یا خصوصیتی را می خواهید درباره حرفه روزنامه نگاری در دانشجویان خود به وجود بیاورید؟ چالش و وظیفه ما تعلیم - و یا تزریق - اصول اخلاقی خاص روزنامه نگاری، ممتاز بودن و نوعی اعتماد به نفس به دانشجویان است تا آنها بفهمند که چگونه باید به هدف های متعالی روزنامه نگاری برسند. این موارد به نظر من صرفاً با گوش دادن به گفتارها و پندها به دست نمی آید. تجلی آنها را باید در دیگران دید. این موارد چیزهایی است که صرفاً با بودن و زندگی کردن در کنار دست اندرکاران جدی، معتبر، عالی و معتقد به اصول اخلاقی حرفه روزنامه نگاری جذب و درک خواهد شد. من از این طریق این حرفه را یاد گرفتم. هنگامی که دانشجوی دانشگاه «برکلی»

بودم، استادی از من خواست در نوشتن یک کتاب به او کمک کنم و ما سه کتاب را به اتفاق تمام کردیم. بعد که در «نیویورکر» مشغول کار شدم، مجموعه ای از سردبیران فوق العاده و عالی داشتم که هفته ها و گاهی ۵ یا ۶ ساعت در روز، روی یک موضوع واحد با من کار می کردند. در آن دوره من در عمل می دیدم که فرآیند تولید مطلب چگونه شکل می گیرد و تکامل می یابد. می دیدم که اگر انسان وقتش را در رابطه ای درست با یک سردبیر خوب بگذراند چه کارها می تواند انجام دهد. این کاری است که لازم است در مدارس و دانشکده های روزنامه نگاری انجام دهیم. روزنامه نگاری به طور خلق الساعه و بدون مقدمه از زمین سبز نمی شود.

■ دانشجویان را برای مواجهه با فشارهای ۲۴ ساعته خبر در اینترنت و یک چرخه خبری پرشتاب چگونه آماده می کنید؟ این فشارها مانند گولی است که همه ما را در آتش خشمش می سوزاند. اما خوشبختانه برنامه دوره ما دوساله است و

نه یک ساله. البته دو سال هم کافی نیست اما به ما امکان می دهد دانشجویان را ترغیب کنیم بعضی از آثار بزرگ غیرافسانه ای را بخوانند، کمی فکر کنند، دانش و اطلاعاتی درباره این رشته به دست آورند - چیزهایی درباره آنچه که در گذشته رخ داده، درباره این که پخش، فیلم سازی و خوب نوشتن چیست یاد بگیرند. اینها کارهایی است که اگر در طول این دوره دوساله انجام ندهند و با آنها آشنا نشوند، انجام آنها پس از ورود به دنیای کار با توجه به این زندگی و دنیای پرشتاب که تحت فشار رقابت ۲۴ ساعته است، برای هرکسی بسیار دشوار خواهد بود. تمام جهان با شتاب و سرعت فراوان به پیش می رود اما لازم نیست نگران آن باشید که آیا مردم سهم کافی از آن به دست می آورند، یا نه؟ آنچه که باید نگرانش باشیم این است که آنها وقت کافی ندارند تا به آرامی در گوشه ای بنشینند و کتاب های خوب بخوانند و به سوژه های خوب روزنامه نگاری فکر کنند. به سوژه ای از این

■ از جایگاه رئیس یک دانشکده روزنامه‌نگاری باید بگویم که زمانی واقعاً تردید داشتم که آیا دانشکده‌های روزنامه‌نگاری دیگر کاربرد و فایده‌ای دارند یا نه. هنگامی که مانند یک شاگرد و کارآموز خوب که کفاشی را از استادش یاد می‌گیرد می‌توان با کارکردن در نشریه‌ای این کار را یاد گرفت، دیگر چه نیازی به رفتن به دانشکده روزنامه‌نگاری هست؟

■ امروز دیگر در هیچ رسانه‌ای یک پادوی تحریریه را نمی‌یابیم که روزی به مقام دبیری و سردبیری ارتقا پیدا کند، برای این که دیگر پادویی در تحریریه‌ها وجود ندارد.

دیدگاه‌ها نگاه کنند، دیدگاه‌هایی که به روزنامه‌نگاری خوب عمق و معنی واقعی می‌دهند.

به نظر من این سرعت و شتاب به طوری کاملاً طبیعی، چه بخواهیم و چه نخواهیم، سراغ همه ما می‌آید و ما نمی‌توانیم از آن اجتناب کنیم. این خطر نیز وجود دارد که همه چیز را در خود حل کرده و با خود ببرد. بهترین راه مقابله با آن، خواندن و اندیشیدن است.

تصور فعلی من این است که پیش از ورود به دنیای پرشتاب و رقابت‌آمیز امروزی، صرف کمی وقت برای آشنایی با این که چگونه باید روزنامه‌نگاری معتبر و اندیشمندانه ارائه داد، انسان را مجهزتر کرده و به او یاد خواهد داد که چگونه در دنیایی که به نحوی باورنکردنی سریع و رقابت‌آمیز است و بازار هر لحظه یکی را می‌بلعد، تعادل خود را حفظ کند.

مشاغل بسیار اندکی کامل هستند اما به تصور من چالش اصلی روزنامه‌نگاران جوان این است که بدانند در دنیایی که به دفعات بسیار از آنها خواسته خواهد شد سازش کنند و از موضع خود عقب‌نشینی کنند، چگونه باید مذاکره کرد.

روزنامه‌نگاران جوان در این دنیای به شدت رقابت‌آمیز و مبتنی بر مناسبات بازار، برای حفظ معیارها و احساس رضایت از کارشان به میزان فزاینده‌ای نیاز به ایستادگی و مقاومت دارند.

کن یاد - رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری
مدیل در دانشگاه تورث وسترن

■ دورنماهای آموزش روزنامه‌نگاری را چطور می‌بینید. آیا باید نگران بود یا خوش‌بین؟
به نظر من این همه سروصدا درباره از بین رفتن معیارهای روزنامه‌نگاری به شدت مبالغه‌آمیز است. در طول سال گذشته ماجرای خبری بسیار دشواری درباره رابطه رئیس جمهوری (امریکا) و یک کارآموز کاخ سفید علنی شد که دروغ‌گویی و لاپرواشانی مهم به دنبال آن آمد. این ماجرا از یک جهت نمایشی فاقد ارزش واقعی بود و از طرف دیگر همیشه این احتمال را داشت که شدیدترین عوارض ممکن را نیز برای کشور داشته باشد.

مسائل خصوصی بسیار زیادی درباره افراد زیادی علنی شد که در موارد بسیاری علت آن نه مطبوعات، بلکه بیشتر حضور قاضی و مشاور مستقل و ماهیت خود ماجرا بود.

بسیاری از منتقدان روزنامه‌نگاری که بی‌محابا اقدام به محکوم کردن این افشاگری و روزنامه‌نگاری تک منبعی و غیره می‌کردند در استدلال خود کاملاً در اشتباه بودند. در همان زمان مطالعات جدی نشان داد که آنها اصلاً درست نمی‌گویند. آنها در برنامه‌های تلویزیونی از ناکامی سازمان‌های معتبر خبری از پیروی

از اصل مراجعه به منابع مختلف در تنظیم خبرهایشان حرف می‌زدند. من به عنوان حَکَم و میانجی برنامه «بررسی رویدادهای هفته واشنگتن» از خبرنگاران بسیاری از جمله «دیوید برودر» (واشنگتن‌پست) و رؤسای دفاتر نشریات مانند «دویل مک مانوس» (لس‌آنجلس تایمز) و آلن موری (وال استریت جورنال) و «مایکل دافی» (مجله تایم) خواستم بگویند که معیارهای آنها برای انتخاب اخبار در تحریریه‌شان چیست؟ و همه آنها گفتند: «آیا دیوانه‌ای؟ آیا فکر می‌کنی در زمانی مثل امروز که همه به دقت ناظر اعمال ما هستند ما خیال داریم دست از معیارهای حرفه‌ای خود برداریم؟».

به این دلیل تصور من این است که مقدار زیادی از آن حرف‌های منتقدان مبالغه‌آمیز بود. افراد بسیار زیادی هستند که فقط برای این که در تلویزیون آنها را نشان بدهند حاضرند هر چیزی بگویند و به عقیده من بعضی از منتقدان برجسته مطبوعات و رسانه‌های ما از این جمله هستند.

■ به عنوان رئیس یک دانشکده روزنامه‌نگاری، دانشجویان خود را چگونه آماده می‌کنید و چگونه به آنها کمک می‌کنید تا وظیفه حرفه‌ای خود را انجام دهند؟

نخستین کاری که می‌کنم این است: به دانشجویان توضیح می‌دهم که بسیاری از کسانی که وانمود می‌کنند مقاماتی بزرگ در تشخیص کیفیت روزنامه‌نگاری هستند کسانی هستند که در نشان دادن واکنش یا کنش، کمی سریع هستند. اگر دانشجویان دقت کنند متوجه خواهند شد که اثبات آنچه آنها درک کرده‌اند یا ادعا می‌کنند بسیار دشوار است.

نکته دوم، هر وقت به چیزهایی مانند ماجرای «بوستون گلوب» ماجرای «سی‌ان‌ان» یا ماجرای «سین سیناتی اینکویرر» یا مشابه آنها برخورد کردید

توجه داشته باشید که اینها مسائلی آموزشی و قابل تدریس در روزنامه‌نگاری هستند. [توضیح نویسنده: ماجرا مربوط به تحقیقی منتشر شده درباره موز «چیکیتا» بود که «اینکویر» آن را تکذیب کرد و پس گرفت. «اینکویر» ده میلیون دلار هم خسارت به «چیکیتا» پرداخت و خبرنگاری که آن خبر را داده بود اعتراف کرد که به‌طور غیرقانونی وارد سیستم رایانه «چیکیتا» شده و در گزارش خبر فوق از پست الکترونیکی آن استفاده کرده است.] باید دانشجویان را از این حقیقت آگاه کنید که در ماجرای «سین سیناتی اینکویر» خبرنگار مربوطه از شیوه‌های به شدت مشکوکی برای تهیه خبر استفاده کرده بود و به آنها قدرت شرکتی را که در «سین سیناتی» درباره‌اش تحقیق شده و همچنین این حقیقت را تفهیم کنید که ما هنوز واقعاً تمام آنچه را که در آن ماجرا رخ داد نمی‌دانیم. همین وضع در مورد ماجرای TAILWIND در سی ان ان نیز صدق می‌کند.

بعضی‌ها ممکن است اطمینان داشته باشند که این ماجرا حقیقت ندارد اما من مطمئن نیستم. ما حالا اساساً به ریاضت کشیدن و فداکاری کردن گرایش داریم. باید هر دو جنبه امور را به آنها گفت. باید اصول

اخلاقی را در فضای امروز و با جدیت هرچه بیشتر تعلیم داد. اما نه این که فقط روی اصول منفی تأکید کنیم زیرا همه چیز روزنامه‌نگاری منفی نیست.

من سعی می‌کنم حداکثر تماسی را که می‌توانم با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان روزنامه‌نگاری داشته باشم. از آنها می‌پرسم ما چه کاری را اینجا به خوبی انجام می‌دهیم و چه کارهایی هست که به نظر شما می‌توانیم بهتر انجام دهیم؟

مدیل (Medill) یک اتاق خبر در واشنگتن دارد و یک شب به آنجا رفتم و ده پیتزا برای دانشجویان خریدم و مدت دو ساعت ونیم آنجا نشستیم. یک نفر را که هرگز فراموش نخواهم کرد دختر دانشجوی جوانی بود که به من گفت: «از وقتی که سال اول دبیرستان بودم می‌دانستم که می‌خواهم روزنامه‌نگار بشوم و هرگز نظرم عوض نشده است. اما حالا در حالی دانشکده را ترک می‌کنم که احساس می‌کنم اندکی خالی هستم و کمی حالت ترس و دلهره دارم چون استادان همیشه درباره عیب‌ها و اشتباهات روزنامه‌نگاری به ما یاد داده‌اند و هرگز به ما نشان ندادند که چه چیز روزنامه‌نگاری واقعاً عالیست یا اصلاً چه چیزهای خوبی در روزنامه‌نگاری هست.»

ما به افراد برجسته‌ای که برای تعلیم

روزنامه‌نگاری اینترنتی و رادیو تلویزیونی به کار می‌گیریم، می‌گوییم: «ما می‌خواهیم کاری کنیم که این بچه‌ها وقتی از اینجا فارغ‌التحصیل می‌شوند، توانایی تولید کارهای خوب و زیبا را داشته باشند.»

■ به نظر شما آموزش روزنامه‌نگاری باید به دنبال چه اهدافی باشد؟

من در این مورد اینطور فکر می‌کنم: با توجه به شرایط ده سال پیش، باید سعی کنیم چالش‌هایی را که دانشجویان ما در ده سال نخست هزاره جدید، از حیث دگرگونی‌های شدید در فن‌آوری و همگرایی آنها و از جهت آنچه که به نظر من یک افول برگشت‌ناپذیر در اعتماد عمومی به روزنامه‌نگاری است، با آنها مواجه خواهند شد، پیش‌بینی کنیم. حرفه روزنامه‌نگاری به معنی دقیق کلمه، حرفه‌ای است که واقعاً در حال همگرایی است و دانشجویان روزنامه‌نگاری باید این مفهوم را درک کنند.

ما در حال تغییر کل برنامه ترم اول تحصیلی هستیم تا بتوانیم دانشجویان را با آنچه که «محیط روزنامه‌نگاری» می‌خوانیم نیز آشنا کنیم. این که چه شده است که مؤسسات بزرگ، مالکیت روزنامه‌ها را خریده‌اند، چه شده است که شرکت‌های زنجیره‌ای روزنامه‌های مستقل را صاحب شده‌اند، چرا روزنامه‌های عصر تعطیل شده‌اند، چرا شرکت‌های ناشر مجله به کار تلویزیون هم روی آورده‌اند؟

اگر دانشجویی با مدرک لیسانس از دانشکده روزنامه‌نگاری فارغ‌التحصیل شود و محیط اقتصادی روزنامه‌نگاری را درک نکند، مثلاً نداند «کپ سیتی» هنگامی که شرکت (ABC) را خرید و سپس خودش به‌طور کامل به دیسنی (Disney) فروخته شد و این نقل و انتقال برای برنامه ABC News چه مفهومی داشت؟ معلوم است که مدرکش ارزش واقعی ندارد یا

■ به نظر من دانشکده‌های روزنامه‌نگاری واقعاً باید راه‌هایی برای همکاری با سازمان‌های واقعی رسانه‌ای پیدا کنند.

■ پیش از ورود به دنیای پرشتاب و رقابت‌آمیز امروزی، صرف کمی وقت برای آشنایی با این که چگونه باید روزنامه‌نگاری معتبر و اندیشمندانه ارائه داد، انسان را مجهزتر کرده و به او یاد خواهد داد که چگونه در دنیایی که به نحوی باورنکردنی سریع و رقابت‌آمیز است و بازار هر لحظه یکی را می‌بلعد، تعادل خود را حفظ کند.

■ چالش اصلی روزنامه‌نگاران جوان این است که بدانند در دنیایی که به دفعات بسیار از آنها خواسته خواهد شد سازش کنند و از موضع خود عقب‌نشینی کنند، چگونه باید مذاکره کرد.

شاید بتوان گفت که آن را به حق به دست نیاورده است.

■ با توجه به این که این دانشجویان وارد همین محیط خواهند شد، آنها را با آموزش چه اصول اخلاقی یا ضابطه کاری و حرفه‌ای می‌خواهید از دانشگاه به محیط حرفه‌ای بفرستید؟

دانشجویان روزنامه‌نگاری به دلایل مختلف و فراوانی وارد دانشگاه می‌شوند. نمی‌خواهم بگویم که افرادی بدون انگیزه‌های عالی به این رشته روی می‌آورند، اما نمی‌دانم که آیا همه آنها آرمان‌های عالی یکسانی برای روی آوردن به این کار دارند یا خیر؟ بعضی‌ها فقط برای این می‌آیند که کار خوبی دست‌وپا کنند که این هم قطعاً دلیل خوبی است.

اما من می‌خواهم وقتی اینجا را ترک می‌کنند یک درک و مفهوم حرفه‌ای و محکم از روزنامه‌نگاری و مهارت‌های موردنیاز آن داشته باشند. اعم از این که روزنامه‌نگارهای اینترنتی باشند یا تولیدکننده و روزنامه‌نگار رادیو تلویزیونی، یا برای روزنامه‌های چاپی و مجلات کار کنند و... می‌خواهم آنها به هریک از حرفه‌های مرتبط با روزنامه‌نگاری وارد می‌شوند، نویسنده‌های ماهری باشند و تفاوت بین یک حقیقت ثابت شده و آنچه را که هنوز ثابت نشده بدانند.

علاوه بر اینها چیز دیگری هم می‌خواستم بگویم و آن این است که امیدوارم دانشجویان روزنامه‌نگاری این احساس را پیدا کنند که چقدر لذت‌بخش است که هر روز در جای متفاوتی کار کنند و حق داشته باشند که از هرکس درباره آنچه که در جهان رخ می‌دهد سؤال کنند. چه لذت‌بخش و شیرین است که انسان مجبور نباشد هر روز به یک اداره برود و آنجا کار کند و چه خوب است انسان

■ ما در حال تغییر کل برنامه ترم اول تحصیلی هستیم تا بتوانیم دانشجویان را با آنچه که «محیط روزنامه‌نگاری» می‌خوانیم نیز آشنا کنیم. این که چه شده است که مؤسسات بزرگ، مالکیت روزنامه‌ها را خریده‌اند، چه شده است که شرکت‌های زنجیره‌ای روزنامه‌های مستقل را صاحب شده‌اند، چرا روزنامه‌های عصر تعطیل شده‌اند، چرا شرکت‌های ناشر مجله به کار تلویزیون هم روی آورده‌اند؟

بتواند به هر جا می‌خواهد برود و دنیای اطرافش را ببیند و بگوید «همه اینها در دسترس من است تا آنها را امتحان کنم». این چیزی است که واقعاً فکر می‌کنم یک روزنامه‌نگار باید بداند. نکته مهم آن است که با توجه به این که پول خیلی زیادی در این کار به دست نمی‌آید، اما می‌تواند یک حرفه بسیار لذت‌بخش باشد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، توضیحات مختصر و کوتاهی است که رؤسای سه دانشکده روزنامه‌نگاری درباره موضوع مورد بحث ارائه کرده‌اند.

جفری کوآن - رئیس دانشکده ارتباطات آنسبرگ - دانشگاه کالیفرنیا جنوبی

«آموزش در حین کار، روزه‌روز در همه رشته‌ها و زمینه‌ها رایج‌تر می‌شود. این کار برای روزنامه‌نگاران از چند جهت اهمیت دارد. اول آنکه آموزش حین‌کار مانع بروز مشکل بزرگی به‌نام خستگی می‌شود. آموزش حین‌کار باعث می‌شود انگیزه‌های تازه برای شروع مجدد در انسان پیدا شده و عامل خستگی خیلی امکان عمل پیدا نکند. دوم آنکه، فن‌آوری‌ها به‌طور دائم در حال تغییر هستند، تخصص‌ها بهتر می‌شوند و ارزش‌ها تحت تهاجم و اصلاح قرار دارند. در شرایطی این‌گونه، آموزش حین‌کار به افراد امکان می‌دهد که دوباره یا برای اولین بار تحت آموزش قرار بگیرند و چیزهای تازه یاد بگیرند. یک نکته مهم درباره

روزنامه‌نگاران این است که آنها ذاتاً تعلیم پذیر و کنجکاوند و برای همین هم روزنامه‌نگار می‌شوند. این خصلت، آنها را به دانش پژوهانی شگفت‌آور تبدیل می‌کند.»

تری هینس - رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه فلوریدا

«روزنامه‌نگاری یک هدف بسیار علنی و عمومی دارد و آن کمک به مردم برای درک و شناختن جهان اطرافشان است تا بتوانند بهتر امور خود را اداره کنند. این حرف ممکن است کمی آرمان‌گرایانه به نظر آید اما من خیال ندارم حرفم را پس بگیرم، زیرا به این ترتیب است که خوش‌بینی خود را حفظ می‌کنم.»

رابرت راگلز - رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه A&M فلوریدا

بی‌شک ما باید کارهای بهتری در زمینه القای ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی روزنامه‌نگاری به دانشجویان و این که اصولاً ارزش‌ها و معیارها چیستند یا چه باید باشند انجام دهیم.»

تام گلدستاین - رئیس دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه کلمبیا.

امیدوارم مردم برای مشهور شدن دنبال روزنامه‌نگاری نروند. □

منبع:

New News, New Ideas, Deans Explore the Challenges of Educating the Journalists of the Future, *Media Studies Journal*, Spring/ Summer 1999, pp. 98-105.